

دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره ملی شهدای شهر کاشان - 4 / بهمن / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آله الاطیبین
الاطهرین سیما بقیة الله فی الارضین.

برادران عزیز، خواهران عزیز! خیلی خوش آمدید؛ مخصوصاً خانواده‌های محترم شهیدان و بخصوص مادران شهدا و این بانوی گرامی (۲) که مادر چهار شهیدند. آقای منصور (۳) را هم که سالها بود زیارت نکرده بودیم؛ [بنده] ایشان را از دوره‌ی دانشجویی‌شان که مشغول مبارزه بودند، می‌شناسم.

کاشان یک شهر برجسته است؛ حالا منهای آنچه در دوره‌ی ما اتفاق افتاد - که حالا اشاره خواهم کرد - در طول تاریخ هم کاشان حقاً و انصافاً برجستگی دارد: عالم‌پرور است، شاعرپرور است، فقیه‌پرور است، ریاضی‌دان‌پرور است، مبارزپرور است، هنرپرور است؛ شخصیت‌های برجسته‌ی بزرگی [دارد] و یک شهر عجیبی است. همین فرشی که در کاشان بافته میشود، از لحاظ نگاه هنری، یک هنر بسیار بزرگ و بسیار باارزش است؛ ما قدر این هنرهای زیر پا افتاده و پیش پا افتاده‌ی خودمان را نمیدانیم. شخصیت‌های برجسته‌ای [از این شهر] برخاستند که خب شماها آنها را می‌شناسید و میدانید و معروفند، و اسمشان در تاریخ همه جا ثبت است.

در دوره‌ی نزدیک به ما، [یعنی] تقریباً دوره‌ی معاصر ما، شخصیت‌هایی هستند که با استعمار مبارزه کردند - که این فرق میکند با مبارزه‌ی با حکومت داخلی - من جمله پدر مرحوم آیت‌الله کاشانی، مرحوم آسیدمصطفی کاشانی که ایشان از بزرگان علمای نجف بودند. وقتی که انگلیس‌ها در پایان جنگ [جهانی] اول آمدند و در واقع منطقه را چند کشور اروپایی بین خودشان تقسیم کردند و آمدند طرف ایران، اینها به فتوای مرحوم آسیدمحمد کاظم یزدی، از نجف آمدند در منطقه‌ی اهواز و منطقه‌ی جنوب عراق و غرب ایران و جنوب غربی ایران، مبارزه‌ی تن به تن کردند؛ هم مرحوم آسیدمصطفی کاشانی، هم پسر ایشان مرحوم آسیدابوالقاسم کاشانی که آیت‌الله کاشانی معروف ما این دو می‌است. بعد هم مبارزات اینها ادامه پیدا کرد. این اهمیت دارد؛ اینکه یک انسانی، یک انسان باشخصیتی، زندگی خودش را وقف کند برای مبارزه‌ی با زور، با ظلم، با تجاوزطلبی، خیلی برای یک ملت مهم و باارزش است؛ قدرش را باید دانست. حالا بعضی‌ها به مرحوم آیت‌الله کاشانی به خاطر یک اختلاف نظرات سیاسی اعتراض میکنند؛ دیگر توجه ندارند که این مرد کسی است که ده‌ها سال با کمال شجاعت، با انگلیس‌ها مبارزه کرد.

در زمان رضاشاه که همه‌ی نفسها در سینه‌ها حبس بود، مرحوم کاشانی مبارزه کرد؛ در آن زمان مبارزه کرد. امام (رضوان الله علیه) (یک بار در یک جلسه‌ی خصوصی که ما داشتیم، گفتند که من هیچ کس را به شجاعت آقای کاشانی ندیدم. توجه کنید! این حرف را چه کسی میزند؟ امامی که خودش مظهر رشادت و شجاعت است. این را خودم از ایشان مستقیم شنیدم؛ دیگر راوی وسط نیست. گفتند من هیچ کس را به شجاعت آقای کاشانی ندیدم. بعد سه قضیه نقل کردند از شجاعت مرحوم آقای کاشانی که حالا آن قضایا را من نقل نمیکنم. این [طور] است. در آن محل تاریخی، ما رفتیم آنجا، زندانی را که آقای کاشانی آنجا بوده دیدیم. آن سلولی را که آقای کاشانی - البته مدت کوتاهی - در آن سلول زندانی بوده، به ما نشان دادند. قضیه‌ای را آنجا نقل کردند که در آن سلولی که راحت نمیشد نشست، مأمور می‌رود پیش او و بنا میکند نصیحت کردن. آقای کاشانی یک پاسخی به او میدهد که نشانه‌ی کمال جرئت و شجاعت و نترسی و دل قرص و محکم این مرد است. و همین‌طور بقیه‌ی کسانی که در این راه بوده‌اند؛ شخصیت‌های برجسته.

از جهات مختلفی کاشان انصافاً برجستگی دارد؛ یکی اش مسئله‌ی مبارزات است، یکی اش مسئله‌ی علم و هنر است، یکی اش مسئله‌ی توجه به اهل بیت (علیهم السلام) است که در زمان جوانی ما مجالس کاشان معروف بود همه جا که کاشانی‌ها مجالس روضه و توسل و توجه دارند؛ و مانند اینها.

خب، در آزمایش بسیار مهم دفاع مقدس و بعد از آن در بعضی از حوادث دیگر، کاشانی‌ها خوب حرکت کردند، خوب گذشته‌ی خودشان را تجدید کردند و نشان دادند که یک طبیعت مستمرّ تاریخی‌ای در این منطقه وجود دارد که در گذشته و امروز انسانهایی را با این خصوصیات پرورش میدهد. لذا شما شهدای برجسته‌ای دارید، شهدای باسابقه‌ای دارید، شهید دوران اول مبارزات دارید که این در کمتر شهری از شهرهای ایران وجود دارد؛ شهدای میدان جنگ دارید، پشتیبانی‌های فوق‌العاده و کم‌نظیر دارید که انسان را واقعاً تحت تأثیر قرار میدهد. فرض بفرمایید چند نفر بانو می‌نشینند یک قالی باارزشی می‌بافند، می‌آیند تقدیم میکنند به جبهه که این را یک جایی من خواندم که این قالی را آن کسانی که گرفته بودند از این بانوی آورنده‌ی قالی، می‌گویند ما این را نمیتوانیم به قیمت بفروشیم، [بلکه] این را باید به ارزش معنوی‌اش بفروشیم. می‌روند به قیمت گرانی این را می‌فروشند و یک پشتیبانی فوق‌العاده باارزشی از چندین لشکر به وسیله‌ی همین یک قالی انجام می‌گیرد! و کارهای فراوانی که انجام دادند. خب همه‌ی اینها ارزشهای مردمی برای مردم کاشان است.

شما حالا میخواهید بزرگداشت بگیرید برای شهدا؛ این مطالبی که آقا بیان کردند، اینها همه کارهای خوب و لازمی است؛ کارهای هنری، کتاب‌نویسی، خاطره‌نویسی و بقیه‌ی چیزهایی که وجود دارد، اینها همه کارهای لازمی است، کارهای خوبی است.

بنده در دیدار با برگزارکنندگان این بزرگداشتها توصیه‌هایی کرده‌ام که یا شنیده‌اید یا میتوانید دسترسی پیدا کنید؛ نمیخواهم تکرار کنم آنها را. یک نکته را میخواهم بگویم و آن، این است که هنر این شهدا فقط این نبود که جانشان را کف دست گذاشتند و رفتند به میدان جنگ؛ خب، در حال خطر، خیلی از افراد – البته برجستگان – این کار را میکنند. وقتی خطری تهدید میکند دین را، میهن را، ملیت را، عزت یک کشور را، کسانی جانشان را کف دستشان می‌گذارند و می‌روند و می‌جنگند. یک نکته اینجا مهم است و آن، این است که همراه این کار، خلقیات و رفتارهایی را انسان مشاهده میکند که این رفتارها قابل تبیین است؛ یعنی قابل دست دادن به (۴) ملت‌ها است. [مثلاً] گذشته؛ این جوانی که رفته آنجا مثلاً فرض بفرمایید یک چیز باارزشی همراهش است، رفیقش به آن احتیاج دارد، بدون هیچ گونه ملاحظه‌ای این را به رفیقش میدهد؛ گذشت میکند. عبادتها؛ یک جوان کم‌سن مثلاً تازه به بلوغ رسیده‌ای که این قدر گناهی هم هنوز در پرونده‌ی او نیست، آن چنان در مقابل پروردگار تضرع میکند و توسل و توبه و استغاثه و استغفار میکند که انسان تعجب میکند؛ یعنی از افرادی در سنین ماها اصلاً یک چنین حالتی، یک چنین استغاثه‌ای، یک چنین توجهی برنمی‌آید، اصلاً ممکن نمیشود آنچه از دل روشن و پاک آن جوان صادر میشود. یا فرض بفرمایید که احترامی که اینها به شعارهای مقدس نظام جمهوری اسلامی میکردند که حالا همین مطلبی که ایشان گفتند که به دخترش سفارش میکند که اولین مطلبی که به بچه یاد میدهی، این باشد که یک شعار مربوط به انقلاب را، مربوط به اسلام را یاد میدهد.

اینها را باید حفظ کرد، اینها را باید ضبط کرد، اینها را باید نشان داد. این در نام‌گذاری یک کوچه یا خیابان به نام شهید به دست نمی‌آید. این با یک کار هنری امکان‌پذیر است؛ انتقال این روحيات و این خصوصیات اخلاقی، صرفاً با کارهای هنری امکان‌پذیر است. شما در یک فیلم یا در یک مثلاً فرض کنید که شعر خوب یا در یک نقاشی خوب، میتوانید نشان بدهید گذشت را؛ میتوانید نشان بدهید خشوع در مقابل پروردگار را؛ [میتوانید] خشوع یک رزمنده را نشان بدهید؛ یا غیرت او را نشان بدهید. اینها به درد یک ملت [می‌خورند]. اینها برای یک ملت نیاز همیشگی و حتمی است. ما خب روی منبرها می‌گوییم به مردم؛ راجع به تقوا می‌گوییم، راجع به گذشت می‌گوییم، راجع به توسل و توجه و انابه و استغفار می‌گوییم؛ اما اینها حرف است، اینها گفتن است؛ گفتن با عمل کردن خیلی فرق دارد. او عمل میکند؛ شما آن عمل را منعکس کنید؛ نشان بدهید که او در عمل این جور حرکت کرد، این جور رفتار کرد.

یکی از چیزهایی که به نظر بنده خیلی مهم است و بایستی در عمل، در کار هنری نشان داده بشود، همین صبری است که این مادران شهدا کردند. این شوخی نیست که انسان یک جوانی را، یک فرزندی را پرورش بدهد، با خون دل، با چه زحمتی به ثمر برساند، به جوانی برساند، بعد این را در راه خدا بدهد؛ یکی، دو تا، سه تا، چهار تا. اینها چیزهایی است که فقط به زبان آسان گفته میشود، در عمل، در واقعیت اصلاً قابل توصیف نیست؛ یعنی واقعاً قابل

توصیف نیست و نمیشود اهمیّت این را توصیف کرد. اما صبر این بانو را میشود نشان داد؛ شکر این بانو را میشود نشان داد؛ تحمّلی که او در مقابل این حادثه‌ی مهم و بزرگ انجام داده، این را میشود نشان داد؛ اینها میشود درس. اینها را بایستی شما نشان بدهید. چه جوری میشود نشان داد؟ صرفاً با کار هنری. بحمدالله شما کاشانی‌ها از لحاظ هنرمند هم غنی هستید، افراد هنری دارید که میتوانند کارهایی را انجام بدهند. و ان شاءالله این کار را بکنید و پیش بروید. و به مردم عزیز کاشان هم سلام بنده را برسانید. ما کاشان را همیشه از دیرزمان، چه به خاطر علمائش، چه به خاطر شهدائش، چه به خاطر کارهای هنری‌اش، به چشم یک منطقه‌ی برجسته شناخته‌ایم و دیده‌ایم. امیدواریم ان شاءالله که همیشه روسفید باشید و پیش خدای متعال مقام والا داشته باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، حجّت الاسلام و المسلمین سیّدسعید حسینی (نماینده ی ولیّ فقیه و امام جمعه‌ی کاشان و رئیس شورای سیاستگذاری کنگره) و سرهنگ کریم اکبری قمصری (فرمانده ناحیه‌ی مقاومت بسیج کاشان و دبیر کنگره) مطالبی بیان کردند.
- ۲) خانم کبری حسین‌زاده (مادر شهیدان بارفروش)
- ۳) آقای جواد منصوری (اوّلین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)
- ۴) استفاده برای، ممکن شدن برای